مسئوليّت‌هاي زنان در جامعه منتظر

فاطمه زهرا ستار

چكيده

در عصر غيبت كه دوره پنهان زيستي امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف است، معتقدان به مهدويت براي زمينه سازي و نيل به جامعه موعود جهاني، داراي رسالت‌ها و مسئوليت‌هاي خطيري هستند كه با پاي بندي و اجراي آنها مي‌توانند زمينه‌ساز ظهور آن حضرت باشند.

در اين ميان، نقش زنان كه پنجاه درصد جمعيت بشر را به خود اختصاص داده‌اند، نقشي مهم و تأثيرگذار است، زيرا زنان منتظر، علاوه بر اين كه نسبت به خويشتن مسئوليت دارند و بايد خود را جزء منتظران واقعي قرار دهند، هم چنين بايد به ديگرسازي، يعني تربيت و تعالي نسل منتظر نيز همت گمارند. از اين رو زنان داراي دو مسئوليت، جهت زمينه سازي ظهور (خودسازي و ديگرسازي) مي‌باشند. بر اين اساس در اين نوشتار به مسئوليت زنان منتظر در دو حوزة فردي و اجتماعي پرداخته شده است.

الف: حوزه فردي؛ در حوزه فردي، زنان منتظر با پاك‌سازي روح و روان خود از پليدي‌هاي اخلاقي و مزين شدن به شاخصه نيك، آمادگي لازم جهت ياري رساندن به امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف را پيدا مي‌كنند.

و در مرحله بعد با شناخت دين و دين داري كامل نسبت به امام و مقتداي خود ابراز علاقه و معرفت مي‌كنند و خود را در صف منتظران واقعي قرار مي‌دهند.

ب: حوزه اجتماعي؛ در حوزه اجتماعي زنان منتظر، داراي رسالت‌هاي خطيري نظير تربيت نسل منتظر، امر به معروف و نهي از منكر، ورود در عرصه‌هاي جامعه، نظير: مدرسه، خانواده و پرورش ياران خاص امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف و ترويج عدالت در ميان جامعه منتظران مي‌باشند كه به صورت تفصيل در اين نوشتار، آمده است.

واژه‌هاي كليدي: منتظران، زن، رسالت، آمادگي، دين داري، معرفت و محبت به امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف.

مقدمه

جامعة منتظر با شاخصه‌هاي خدا محوري، عدالت محوري، دين محوري، و در يك كلام، معنويت محوري، از جوامع ديگر متمايز مي‌شود. در جامعه منتظر، براي اجرايي شدن شاخصه‌هاي فوق، همة آحاد مردم، اعم از زن و مرد، رسالت خطيري دارند؛ زيرا هر چه، جامعه منتظِر، خود را در راستاي جامعة منتظَر قرار دهد، بيشتر به مقصود و هدف، نزديك مي‌شود. از اين رو بايد زن و مرد، با مشاركت، و هم سويي، به اجراي شاخصه‌هاي جامعة منتظَر، در جامعة منتظِر همت گمارند. دو مسئوليت خطير، بر دوش زنان منتظِر كه بايد به انجام آنها مبادرت ورزند: نخست، خودسازي؛ افرادي كه مي‌خواهند در جامعة منتظران، مثمر ثمر باشند و ديگران را در راستاي اهداف جامعة منتظر بسازند، ابتدا بايد خودساخته و مزين به شاخصه‌هاي نيكو باشند. از اين رو مسئوليت دوم زنان منتظر، مشخص مي‌شود كه همان ديگرسازي است كه در اين رسالت، زنان، مسئوليت بس خطيري بر دوش دارند؛ زيرا در نقش سازنده و مفيد آنان در خانواده، يعني پدر و فرزندان، جاي هيچ گونه، شكي نيست؛ بنابراين مي‌توان نتيجه گرفت كه مردان بيشتر تك مسئوليتي بوده، يعني تنها به ساختن خويشتن مي‌پردازند، ولي زنان علاوه بر خودسازي به دگرسازي كه همان پرورش فرزندان و نسل منتظر باشد، نيز مي‌پردازند.

در اين نوشتار سعي شده است تا به برخي از وظايف و رسالت‌هاي زنان در دوران غيبت، در جامعة منتظر اشاره شود تا زنان با آگاهي و شناخت كامل به انجام مسئوليت‌هاي خود بپردازند.

با توجه به آيات و روايات فراواني كه به جايگاه و مقام زن پرداخته است[1]، به ارزش زن در اسلام پي مي‌بريم و مي‌فهميم كه اسلام از زن به منزلة يك انسان، توقع پيشرفت فردي و اجتماعي دارد و از او به عنوان يك مكلّف در جامعه، انتظار مسئوليت پذيري دارد. درجامعة كنوني، كه جامعه‌اي منتظر است مي‌خواهد خود را براي آمدن منتظر و حكومت جهاني او آماده كند؛ بنابراين وظايف خطير و سنگيني دارد، كه با توكل به خداوند و با تلاش و همّت خود مي‌تواند به انجام آن بپردازد. از جمله مسئوليت‌هاي زنان، وظايف فردي و اجتماعي است كه به ترتيب به شرح آن پرداخته مي‌شود:

الف: وظايف

1.پاك‌سازي درون از صفات پليد و زيور دادن آن به اخلاق نيك؛ اين امر در هر زمان واجب است، اما در زمان غيبت حضرت ولي عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف بيشتر مورد توجه قرار مي‌گيرد؛ چون درك فضيلت و قرار گرفتن در عداد اصحاب آن حضرت، بستگي به اين خصوصيات اخلاقي (خودسازي) دارد.

تهذيب نفس و خودسازي از مسائلي است كه يك سالك الي الله بايد به آن توجه داشته باشد؛ چرا كه اهميت و ارزش آن به قدري زياد است كه خداوند مي‌فرمايد:

هركس نفس خود را تزكيه كند، به يقين رستگار شده است و نوميد و محروم گشت آن كه نفس خود را به گناه آلوده ساخت.[2]

امام صادق عليه السلام در همين سوره به مردم دوران غيبت، اعم از زن و مرد مي‌فرمايد: «هركس دوست مي‌دارد كه از اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف باشد بايد منتظر باشد و دراين حال (انتظار) به پرهيزكاري و اخلاق نيكو رفتار نمايد.»[3]

پس يكي از چيزهايي كه هر انساني، اعم از زن و مرد را به رستگاري و كمال حقيقي مي‌رساند، پاك‌سازي روح و جان از صفات رذيله و جاي‌گزين نمودن صفات پسنديده است. پس يك زن اولاً، به عنوان يك شخصيت انساني (زن)، ثانياً، به منزلة يك مادر و همسر و ثالثاً، به مثابه تربيت كننده و منتظرساز، روحي سلحشور و جهادگر مي‌خواهد. منتظر مسلح، وقتي مي‌تواند در ركاب امام، نقش‌آفريني كند كه براي او پيروزي يا شهادت يكسان باشد و اين روح مجاهدت وسلحشوري، مربوط به تمام افراد، از جمله زنان بوده كه از ابتدا تا كنون، اثرات زيادي از خود به جا گذاشته‌اند.

2.آمادگي؛ آمادگي هميشگي، جوهر اصلي انتظار و وظيفة حتمي منتظران است. كسي كه منتظر ظهور مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف است، بايد آمادگي داشته باشد، نظير: پيراستگي و پاك زندگي كردن، صادق بودن در اعتقاد وعمل، توانايي روحي و جسمي براي جهاد و مبارزه در ركاب مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف. كسي كه بخواهد جزء ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف باشد، بايد روح جهاد و مبارزه با باطل را در زمان غيبت تجربه كند. در احاديث، منتظر و ياور امام عجل الله تعالي فرجه الشريف كسي است، كه در زندگي منتظرانة خود، آماده و به مرتبة ايثار جان و مال در راه خدا رسيده باشد. هم چنين، در راه استقرار دين و نجات مظلومان، گام بردارد و براي ياري كردن نهضتي كه مي‌خواهد ريشة ظلم را در جهان بر كند و عدل را جاي‌گزين كند، بي صبرانه منتظر جهاد باشد.

امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد:

بايد هر يك از شما براي خروج قائم، اسلحه آماده كند. چون وقتي خداوند ببيند كسي به نيت ياري مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، اسلحه تهيه كرده است، اميد مي‌رود خداوند عمر او را دراز كند، تا ظهور را درك كند، و از ياوران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف باشد.[4]

بنابراين همه عاشقان (زن و مرد) بايد خود را آمادة ظهورش كنند و ديگران را نيز آماده پذيرش دولت او كنند، و اين مسئوليت خطير و بزرگ بر دوش همة عاشقان، از جمله زنان است. طبق آن چه كه خداوند از زن سخن گفته و در روايات به ميان آمده است، او مي‌تواند با حفظ ارزش‌هاي ديني و اخلاقي، خود را براي حضور در دولت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، مهيا سازد و با نقش خود در خانه و جامعه، تمام انسان‌هاي عاشق را آماده و مهيا براي ظهور دولت يار كند.

3. دين داري؛ پيامبر اكرم صل الله عليه و آله و سلم فرمودند:‌اي علي بدان كه شگفت انگيزترين مردم از جهت ايمان و عظيم‌ترين آنها از روي يقين مردمي اند كه در آخرالزمان خواهند بود. پيامبر صل الله عليه و آله و سلم را نديده اند و محبت امام عجل الله تعالي فرجه الشريف نيز از آنان محجوب است، اما به سياهي كه بر سفيدي رقم خورده است، ايمان آورده‌اند.[5]

موفقيت در اين آزمايش، احتياج به بينشي دارد كه انسان دين دار مي‌تواند در پرتو آن در برابر تحريف‌ها و شبهه‌ها و ترديدها، خود را حفظ نمايد و با هيچ يك از عوامل منحرف كننده خلوص در دين و دين داري به بيراهه نرود.

پايداري در دين، در روزگار غيبت، فقط در سختي‌هاي جسمي و فشارهاي مادي، خلاصه نمي‌شود، بلكه فشارهاي روحي و معنوي را هم، بايد تحمل كرد تا بتوان جزء منتظران واقعي آن امام شد. در انتظار، زيستن و منتظرانه دين داشتن، وظيفه‌اي است كه شريعت اسلام از مؤمنان خواسته است. چشم داشتن به ظهور منجي و حاكميت دوازدهمين امام، باور به قوام امامت و غيبت رهبري ديني، در پايان زندگي است.

عالمان دين بر پايه احاديث معصومين عليهم السلام، انتظار فرج را شاخص بزرگ انسان دين دار، در عصر غيبت دانسته اند و همواره دين داران را به داشتن و دانستن اين مهم فرا خوانده‌اند.

امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد:

خبر دهم شما را به چيزي كه خداوند، عمل بندگان را جز با آن نمي‌پذيرد؟ گفتم آري. امام فرمود: باور به خداي يكتا و بندگي و پيامبري محمّد صل الله عليه و آله و سلم.....و چشم داشتن به ظهور قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف.[6]

دين و دين داري در عصر غيبت به گونه‌اي است كه دين داران در اين روزگار به مقام والايي مي‌رسند؛ چون انسان دين دار، در صدر اسلام، عقايد و باورهاي ديني را از پيامبر صل الله عليه و آله و سلم مي‌گرفت، و تعاليم خالص دين را مستقيماً از مفسّر واقعي وحي، دريافت مي‌كرد.

رسول خدا صل الله عليه و آله و سلم را مي‌ديد، و از راه و روش او الهام مي‌گرفت و حق را به آساني مي‌پذيرفت، اما انسان دين دار در اين عصر (غيبت) از تمامي دريافت‌هاي حسّي به دور است و تنها براساس درك عقلي و تاريخي، پيامبر صل الله عليه و آله و سلم و امامان عليهم السلام را مي‌شناسد و به رسالت آنها ايمان مي‌آورد.

پيامبر صل الله عليه و آله و سلم مي‌فرمايد:

برادران من كساني هستند كه پس از شما [اصحاب] زندگي مي‌كنند. به من ايمان مي‌آورند و مرا دوست مي‌دارند و ياري مي‌رسانند و مرا تصديق مي‌كنند؛ درحالي كه مرا نديده‌اند.[7]

پس دين دار بودن در روزگار غيبت، ايمان بيشتري مي‌خواهد؛ همان طور كه ايمان به مبدأ و معاد، نيازمند تعقّل و تفكّر است. باور اين بصيرت، براساس آيات و روايات، مخصوص افراد به خصوصي نيست، بلكه شامل تمام انسان ها، اعم از زن و مرد است كه در اين ميان، زنان هم مي‌توانند در پرتو بينشي كه از دين و ايمان به غيب دارند، در برابر تحريف ها، و شبهه‌ها و سركوفت‌ها از درون و بيرون حوزه دين، هم چنان دين خود را نگاه دارند و با هيچ يك از اين عوامل، خلوص ديني و دين داري در فكر و عمل خود را از دست ندهند.

4. معرفت به امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف ؛ آشكار است كه اقبال قلبي، از شناخت و احساس محبّت، مايه مي‌گيرد؛ از اين رو مهم‌ترين وظيفه‌اي كه هر شيعة منتظري بر عهده دارد، كسب معرفت نسبت به وجود مقدّس امام و حجّت زمان خويش است. و در روايات تأكيد فراواني شده است كه بايد معرفت امام را جدّي گرفت.

امام صادق عليه السلام فرمودند: خداوند، زمين را لحظه‌اي خالي از حجت قرار نداد.

به سبب حضور حجت است كه انسان، مكلف به شناخت امام است و به همين دليل در حديث آمده است كه: هركس بميرد و امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهليت مرده است.[8]

و اين نشان‌گر اهميت شناخت امام است. پس هر انساني اعم از زن و مرد با شناخت خود از امام، و منزلت و هدف او، خود را مقيد مي‌سازد؛ به تربيت در راه آن امام و رسيدن به كمال نهايي، يعني ياري آن امام و ساختن ياران واقعي.

يك زن به منزلة يك فرد مسلمان و انساني كه در تربيت و ساختن انسان‌هاي با معرفت، مؤثر است، بايد در شناخت، حضرت زهرا عليها السلام را الگوي خود قرار دهد؛ چرا كه بالاترين و بهترين زن نمونه ـ كه تمام زن‌ها و شخصيت‌هاي مسلمان بايد از او درس بگيرند ـ فاطمه زهرا عليها السلام است. از نظر معرفت، شخصيتي آگاه است نه عامي.

پس اگر يك زن در شناخت امام و هدف و راه او مستحكم باشد و به معرفت اصلي رسيده باشد، در شناخت و معرفت فرزند و جامعه تأثيرگذار خواهد بود و مي‌تواند يكي از رسالت‌هاي خود را به انجام رساند. پيمودن جادة انتظار براي يك فرد، بدون شناخت امام منتظر، ممكن نيست. استقامت و پايداري، در وادي انتظار، وابسته به درك صحيح از پيشواي موعود است.

اگر معرفت امام براي منتظر حاصل شود، او خود را در جبهة امام مي‌بيند و احساس مي‌كند كه در خيمة امام و كنار او قرار گرفته است؛ بنابراين لحظه‌اي در تلاش براي تقويت جبهة امام خويش كوتاهي نمي‌كند.

5. محبّت به امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف؛ محبّت، حالتي است، ميان محبّ و محبوب كه سرچشمة آن، قلب و درون است، لكن نمود آن، در ظاهر و در افعال و اعمال محبّ، به روشني پيداست؛ محبتي كه جلوة عيني پيدا مي‌كند و به محب جهت مي‌بخشد؛ محبت، امري طرفيني است، محب مي‌سوزد و محبوب جذب مي‌كند. محب، تمنّا مي‌كند و محبوب، دامان خويش را براي تمنّاي محب مي‌گستراند.

انسان، فطرتاً كمال جو است و همواره در پي يافتن فرد اكمل مي‌باشد و سعي در نزديك شدن به او دارد. محبت انسان در پي شناخت دقيق او از محبوب است. خداوند، حجتي براي ما و در سر راه زندگي مان نهاده كه وجودش، مطابق با خواست‌ها و نيازهاي فطري ماست. اگر طالب جماليم و صاحبان جمال را دوست مي‌داريم و مي‌خواهيم ديگران را نيز در پي شناخت و محبت جمال قرار دهيم و ياوران جمال را افزون كنيم، جلوة جمال حق، اوست كه همه زيبايي‌ها را در خود جمع كرده است. همان طور كه جدّ گرامي اش فرمود: مهدي، طاووس اهل بهشت است.[9]

چهرة مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مثل ماه تابان است.[10]

چهرة مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مثل ستاره درخشان است. [11]

هنگامي كه قلب، مملو ازعشق مي‌شود، همّت عاشق به تمامي در جهت ديدار معشوق است و از هر فرصتي، استفاده مي‌كند تا زمينة ديدار و حضورش را فراهم نمايد. پس تمام انسان‌ها چه زن و چه مرد، وقتي محبت واقعي در قلب شان رسوخ كند، در انجام رسالت، كوشا خواهند بود. يك زن به منزلة حامي و ياور فرزند و همسر خود، با شناختي كه از امام خود دارد و محبتي كه از او بر دلش مانده است، سعي دارد تا در تربيت فرزندان و كمك به همسر خود در جهت رسيدن به اهداف الهي – كه همان ساختن ياوران راستين مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و زمينه سازان ظهور است – تلاش كند تا بتواند رسالت الهي خود را به خوبي انجام دهد؛ زيرا حكومت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ياراني با صلابت، باايمان و شجاع مي‌خواهد و اين مهيّا نمي‌شود، مگر با وجود مادران و همسران شجاع، فداكار، باايمان و خودساخته كه هدف اصلي آنها رضاي حق و رسيدن به كمال مطلوب است.

6. اخلاق اسلامي؛ خُلق، عبارت است از سيماي باطني و هيئت راسخ نفساني كه به موجب آن، افعال نيك و بد، اختياري و بدون تكلّف و تأمّل از انسان صادر مي‌شود كه اين حالت بر اثر تعليم و تربيت و تمرين براي نفس پديد مي‌آيد؛ به گونه‌اي كه رفتارهاي پسنديده و يا ناپسند به طور طبيعي و بدون آن كه به فكر كردن، نياز باشد از انسان سرمي زند. پس بايد سعي كرد كه در حالت نفساني، اخلاق و رفتار اسلامي شود و رفتارهاي پسنديده، همراه با تأمّل ازانسان سر زند؛ چون پرورش فضايل اخلاقي، يكي از مهم‌ترين اهداف رسالت پيامبران خدا بوده است تا انسان در مسير كمال كه علّت غايي آفرينش است، قرار گيرد و پيامبر صل الله عليه و آله و سلم با اشاره به فلسفة بعثت خويش، در حديث معروف: همانا مبعوث شدم تا تمام كنم مكارم اخلاق را.[12] بدان تصريح فرموده‌اند.

اخلاق اسلامي با ويژگي خاص و بُعد متعالي خود، تضمين كنندة سعادت انسان‌ها در همة عصرها، و ره توشة همة ره پويان راه كمال است. رعايت اخلاق نيك نسبت به يك ديگر در برخوردها و تمام ابعاد زندگي و رعايت حقوق جاني و مالي و...كه عالي‌ترين نقش را در جذب ديگران و نفوذ در دل‌ها دارد، از عوامل مهم گسترش اسلام، بوده است.

انسان جزء اصلي تشكيل جامعة صالح و سالم است. انسان براي اصلاح جامعه و تشكيل اجتماعي سالم، نخست بايد اصلاحات و تحولات را از درون خود، آغاز كند؛ زيرا مسائل اجتماعي، زشتي، فساد و...در اجتماع، مربوط به انسان است.

پس او مي‌تواند با ايجاد انقلابي در درون خود، در جامعه نيز انقلاب و تحول به وجود آورد و سمت و سوي همه چيز را به سوي هدف و مقصود اصلي، يعني خداوند قرار دهد؛ امري كه خلقت جهان براساس آن بنا شده است. و اين انسان شامل همه مي‌شود (زن و مرد). زن هم در اين امر اصلاحي شركت دارد و با اصلاح درون خود و داشتن اخلاق اسلامي، مي‌تواند به منزلة يك منتظر در دوران انتظار، نقش مهمي را در سازندگي جامعه و منتظران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف ايفا كند.

روايات مختلفي به خصوص حديث «اكمل به اخلاقهم» دلالت بر اهميت و محوريت اخلاق، كمال و رشد معنوي انسان‌ها در دولت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف دارد.

امام باقر عليه السلام مي‌فرمايد: «چون قائم ما قيام كند دستش را بر سر بندگان مي‌گذارد و عقول آنها را متحرك مي‌سازد و اخلاق شان را به كمال مي‌رساند.»[13]

دولت اخلاقي امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف بدين معنا است كه هم خود، جامعِ تمام فضايل و محاسن اخلاقي و عقلي است و هم در مقام عمل و اجرا، همة آنها را در جامعه محقق مي‌سازد. پس با داشتن چنين رواياتي و دانستن، وجود حكومت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف بر مبناي اخلاق اسلامي متوجه مي‌شود كه زنان در جامعة فعلي بيش از هر دوره اي، در معرض آزمايش هستند و بيش از هر عصري، امكان سازندگي خود و نسل جامعة منتظر را دارا هستند.

امروز، روزي است كه زن به مثابة يك منتظر مي‌تواند به تكوين شخصيت اخلاقي خود بپردازد. او بايد بداند كه افتخار در وجود شخصيت اوست كه داراي شعور، شناخت، آگاهي و تقوا باشد. افتخار در وجود صفات مثبت و فضايل انساني و شرم و حياي اسلامي اوست كه به منزلة مسئوليتي بزرگ در زمان غيبت، در جامعة منتظر بر دوش اوست. او وظيفه دارد بكوشد كه خود را براساس مكتب بسازد و شخصيت خود را براساس آن رنگ دهد تا بتواند در سازندگي نسل منتظر، سهم بزرگي داشته باشد. چون يك منتظر واقعي، بايد خود را چنان آماده كند كه لياقت حضور در حكومت منتظر را كه شاخصة آن بر مبناي اخلاق اسلامي و ديني است، داشته باشد.

همان طور كه امام صادق عليه السلام فرمودند: هركس از اين كه جزء ياران حضرت قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف باشد، شاد و خوشحال مي‌شود، بايد منتظر باشد و در حال انتظار، اهل ورع و عمل به نيكي‌هاي اخلاقي باشد.[14]

پس زنان با انتقال اخلاق اسلامي به فرزندان و آماده كردن آنان براي حضور در دولت يار، بهترين زمينه‌ساز معنوي براي ظهور امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف خواهند بود.

ب: وظايف اجتماعي

تا اين جا سخن از وظايف و رسالت فردي زنان در جامعة منتظر بود، اما چون زنان جزء گروهي از منتظران حكومت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف هستند، و زمينه سازان ظهور علاوه بر رسالت فردي، در جامعه رسالتي ديگر نيز دارند بايد در جهت دگرسازي تلاش كنند. آنها با تبليغ دين و اصلاح جامعه و با ترويج اخلاق و فضايل درصدد مهيا كردن يك جامعة ايده آل مهدي پسند مي‌باشند و با دعوت به دين خدا، و توجه دادن به مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و انجام وظايفي كه در ذيل خواهد آمد، روح اميد را در جامعة بشري، زنده مي‌كنند.

1. تربيت نسل منتظر؛ در مسير تربيت نسل منتظر، زنان كه نيمي از جامعه را تشكيل مي‌دهند، بايد نقش سازنده اي، داشته باشند و بدانند كه آنها نيز موظفند دوش به دوش مردان براي تربيت زمينه سازان ظهور، تلاشي خستگي ناپذير داشته باشند.

هيچ انقلاب و نهضتي، بدون مقدمه و زمينه سازي به پيروزي نخواهد رسيد. انقلاب جهاني امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف نيز از اين قانون مستثنا نيست؛ چون انقلاب جهاني حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مهم‌ترين و عميق‌ترين انقلاب‌ها جهاني است، و مربوط به همة جهان مي‌باشد. يكي از موارد زمينه سازي براي اين نهضت عظيم، تربيت نسل منتظر است كه مهم‌ترين وظيفه بر دوش زنان باايمان است؛ زناني كه تنها به آماده شدن خود براي استقبال از امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف راضي نمي‌شوند، بلكه خود را موظف مي‌دانند كه اين آمادگي را در سايرين هم ايجاد كنند و به تربيت منتظران واقعي بپردازند و در اين مسير حساس و بزرگ، نسبت به اين وظيفة عظيم، احساس تكليف كنند و از زير مسئوليت شانه، خالي نكنند. منتظران راستين با اداي چنين تكليفي ـ كه همان پرورش نسل منتظر است ـ راهي براي ياري رساندن به امام خويش در زمان غيبت پيدا مي‌كنند. اگر همة انسان‌ها در انجام چنين هدفي، كوشا و پرتلاش باشند، علاوه بر اينكه خود جزء ياران امام عليه السلام قرار مي‌گيرند، بلكه صف ياران امام عليه السلام را هم افزايش مي‌دهند.

در دعاي منسوب به امام رضا عليه السلام به اين مطلب اشاره شده است:

و ما را از كساني قرار ده كه دين خود را به وسيلة آنها غلبه مي‌دهي و به سبب ايشان ياري ولي خود را عزّت مي‌بخشي و غير ما را «در اين مقام» جاي گزين ما قرار مده كه همانا جاي گزين كردن غير ما به جاي ما بر تو آسان است، ولي بر ما سخت (ناگوار) مي‌باشد.[15]

كساني كه به نحوي در مسير تربيت منتظران راستين امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف قدم برمي دارند، اگر با نيت خالص و براي جلب رضاي الهي، عمل كنند، جزء تقويت كنندگان سلطة ايشان قرار مي‌گيرند و در قيامت در زمرة ايشان محشور مي‌شوند.

و در همين دعا فرمود: و ما را جزء حزب ايشان قرار ده....تا آن جا كه ما را در قيامت در زمرة ياران و ياوران و تقويت كنندگان سلطة ايشان محشور فرمايي.[16]

پس زنان بايد اين مقام را به منزلة يك رسالت الهي ـ كه خداوند بر دوش آنها قرار داده است ـ حفظ كنند و از خداوند در انجام چنين مسئوليت خطيري، كمك و ياري بخواهند و با تربيت و آماده كردن نسل منتظر، زمينه را براي ظهور و حكومت امام عجل الله تعالي فرجه الشريف آماده كنند و بر نيروهاي توان مند امام عليه السلام بيفزايند و خود نيز با انجام چنين امر بزرگي در زمرة ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، در زمان غيبت، و رزمندگان راه او در زمان ظهور باشند.

2. امربه معروف و نهي از منكر؛ عظمت و ارزش بي بديل امربه معروف و نهي از منكر به اندازه‌اي است كه خداي تعالي خود را نيز امركنندة به معروف و نهي كنندة از منكر مي‌شمارد و با تعبير ويژه در قرآن كريم، امربه معروف و نهي از منكر را صفت مستمر و مداوم خود ذكر مي‌كند.

همانا خداوند به عدالت و نيكوكاري و رسيدگي مالي به خويشاوندان فرمان مي‌دهد و از كار زشت و ناپسند و ستم گري بازمي دارد. به شما اندرز مي‌دهد، باشد كه متذكر شويد.[17]

پس هر بنده‌اي به هر ميزان كه در مسير امر به معروف و نهي از منكر، تلاش پي گير داشته باشد، مي‌تواند درجه‌اي از درجات بي پايان تخلق به اخلاق الله را كسب نمايد.

در حقيقت، راز خدا گونگي انسان‌هاي پيش از ظهور و عصر ظهور در ويژگي‌هاي آنان نهفته است.در قرآن كريم نيز امر به معروف و نهي ازمنكر، رمز رستگاري شمرده شده و دليل برتري و شرافت امت پيامبر صل الله عليه و آله و سلم به شمار آمده است.

شما بهترين امتي هستيد كه براي مردم پديد آمده ايد؛ (از آن رو) كه امر به معروف و نهي ازمنكرمي كنيد و ايمان به خدا داريد.[18]

در عصر غيبت به سبب حاضر نبودن امام عليه السلام، بايد شرايط امربه معروف تحقق يابد.

امام سجاد عليه السلام مي‌فرمايد: «معتقدان به مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و منتظران ظهور او در عصر غيبت....در پنهان و آشكار، مردمان را به دين خدا فرا مي‌خوانند.»[19]

انتظار، باوري نيست كه با آن تعهد انسان منتظر، نفي شود. تكليف و تعهد ديني، در هر زماني، باقي و جاويد است. پس در دوران غيبت كبري، داشتن روحية اصلاح گري، در سطح جامعه از وظايف مهم زنان و مردان است.

امام باقر عليه السلام مي‌فرمايد: «امر به معروف و نهي از منكر، واجبي است كه به سبب آن همة واجبات اقامه مي‌گردد.»[20]

اگر اين امر مهم، كنار گذاشته شود، باعث هلاكت و نابودي خوبي‌ها و رشد زياد بدي‌ها در جامعه مي‌شود. از مهم‌ترين و ارزش مندترين مراتب امربه معروف و نهي ازمنكر، آن است كه رئيس حكومت و كارگزاران او امركنندة به خوبي‌ها و نهي كنندة از بدي‌ها و زشتي‌ها هستند.

امام باقر عليه السلام فرمود: مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و ياران او...امر به معروف و نهي از منكر مي‌كنند.[21]

3. مسئوليت پذيري در عرصه‌هاي مختلف اجتماعي؛ قرآن كريم، زن نمونه را انسان نمونه برشمرده است كه با مسئوليت پذيري در عرصه‌هاي مختلف اجتماعي مي‌تواند مقتداي مردان و زنان در جامعه باشد؛ همان گونه كه مرد نمونه، انسان نمونه، براي مردان و زنان است. همان گونه كه انسان در زندگي خود از مردان نمونه، الگو مي‌گيرد و در رفتار و گفتار خود و اجتماع به آن اقتدا مي‌كند، زنان نمونه و داراي مسئوليت اجتماعي نيز داراي چنين جايگاهي هستند. سخنان آنان براي مردان حجت است؛ زيرا در رسيدن به مقام عصمت، پاكي، اجتناب از لغزش و خطا و انجام رسالت‌هاي اجتماعي، فرقي ميان زن و مرد نيست.

طبري ضمن ذكر حديثي از امام باقر عليه السلام مي‌فرمايد: فرمان بري از حضرت زهرا عليها السلام بر همة مخلوقات خدا از جن و انس و پرنده و پيامبران و فرشتگان واجب بود.[22]

عرصه‌هايي كه زنان در آنها ايفاي نقش كرده اند و قابليت خدا دادي خود را به منصة ظهور رسانده اند به شرح ذيل است:

الف: خانواده؛ اگر بنا باشد كه مردم به حال خود رها شوند وهركس به دنبال خواسته‌ها و هوس‌هاي خود برود، اجتماع به صورت ناموزون و ناهم‌آهنگ درمي آيد كه هرج و مرج و بي بند و باري برآن حاكم خواهد شد؛ چون اجتماع، وابسته به خانواده و تربيت خانواده است و تربيت خانواده هم مرهون زحمات و تلاش و فداكاري ما در و زن خانواده است كه بتواند رسالت خود را به عنوان يك مادر به سرانجام برساند. از آن جا كه اصلاح جامعه، به اصلاح فرد وابسته است؛ تا فرد، اصلاح نشود جامعه هم اصلاح نمي‌شود و در اين اصلاح، نقش خانواده و زن، اهميت بسزايي دارد. به طور كلي، اجتماع همان خصوصياتي را به خود مي‌گيرد كه افراد آن را دارند و وقتي محيط، سالم مي‌شود كه افراد آن جامعه، مردماني متقي و پرهيزگار باشند و پيوسته در راه اصلاح قدم بردارند. اين حركت تربيتي و اخلاقي در جامعه نشان گر وجود زنان و مادراني است كه مرداني باايمان و باتقوا را در خانواده و در دامان پر مهر خود پرورش مي‌دهند.

بنابراين، انسان موجودي فوق العاده توانا است، و داراي چنان اراده‌اي كه به وسيلة آن به آن چه مي‌خواهد، دست مي‌يابد. قدرت اراده در او اساس و پاية هر ترقي و تكامل است. هر جا اراده قوي باشد، در آن جا نشاط، زندگي عالي و با سعادت نيز وجود دارد. اراده به منزلة آبشاري است كه راه خود را، از ميان سنگلاخ‌ها و كوهستان‌هاي بسيار صعب العبور باز مي‌كند و به جلو مي‌راند. همان طور كه در قرآن كريم آمده است:

اين كه هيچ نتيجه‌اي براي انسان نيست مگر آن چه را به كوشش و تلاش خود به دست آورده است.[23]

پس هركس در هر راهي كوشش و جديت نمايد و هدفي را دنبال كند، دير يا زود به مقصد خود خواهد رسيد. و يك زن به منزلة موجودي كه خداوند او را بدون هدف خلق نكرده و در آفريدنش هدفي را دنبال كرده است، از ابتدا در كانون گرم خانواده با تأسي از حضرت زهرا عليها السلام نمونه‌هاي اخلاقي و ديني را تحويل جامعه مي‌دهد تا به هدف اصلي خود كه پرورش نسل منتظر است، برسد.

زن، ركن اساسي و عنصر اصلي خانواده است و اسلام براي نقش زن در خانواده، اهميت فراواني قائل است؛ زيرا با پاي بندي زن به خانواده و تربيت فرزندان در آغوش پر مهر مادر، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشيد خواهند شد.

زنان مسلمان در زندگي شخصي و اجتماعي، بايد فاطمه زهرا عليها السلام را از جهت خردمندي، فرزانگي و معرفت، الگو و سرمشق خود قرار دهند و از بُعد عبادت، مجاهدت، حضور در صحنه، تصميم گيري‌هاي عظيم اجتماعي، خانه داري و تربيت فرزندان صالح، از زهراي اطهر عليها السلام پيروي كنند.

جنبة مادري يك زن طوري است كه شخصيت فرزندان نمي‌تواند جدا از شخصيت مادر باشد. همة زن‌ها بايد به دنبال چنين ارزش‌هايي حركت كنند كه فرزنداني صالح و با شخصيت و منتظران راستين، تحويل جامعه دهند. زن به منزلة مادر بايد در محيط خانه، ماية آرامش و آسايش محيط خانواده باشد و در دامان پر مهر و عطوفت خود با سخنان پر نكته و پندآموز، فرزندان صالحي را از لحاظ رواني، تربيت كند و انسان‌هايي پاك و سالم را پرورش دهد.

مادر از هر سازنده اي، سازنده‌تر و باارزش‌تر است؛ چون مي‌تواند يك انسان والا و با روحيه و ايماني پاك، تحويل جامعه دهد، ولي ديگران قابليت چنين كاري را ندارند. مادر مي‌تواند با رعايت و دقت در تربيت، موجودي را تحويل جامعه دهد كه از لحاظ روحي، يك انسان سالم و بدون عقده باشد.

همان طور كه در زمان پيامبر صل الله عليه و آله و سلم، زناني شجاع، با تشويق فرزندان خود به جنگ و شهادت، آنها را براي ياري پيامبر صل الله عليه و آله و سلم آماده مي‌كردند.

امروزه انديشوران مسائل انساني به اهميت خانواده و نقش آن در سلامت جامعه، پي برده‌اند. آنها معتقدند كه اجتماع سالم، تنها با داشتن خانوادة سالم، امكان پذير است؛ چرا كه شخصيت روحي انسان، در دامان مادر به رشد و بالندگي مي‌رسد. چون رابطة صميمي بين مادر و فرزندان، محيط خانه را به پناه‌گاهي امن تبديل مي‌كند كه فرزندان در آن به آرامش مي‌رسند و احساس امنيت مي‌كنند. و اگر چنين رابطه و پناه‌گاهي نباشد، باعث دوستي‌هاي نامناسب و از بين رفتن امنيت خانواده و جامعه مي‌شود و رسالت زنان در دوران انتظار براي زمينه سازي ظهور نيمه تمام مي‌ماند.

ب: مدرسه؛ اين مرحله از سن انسان، زماني است كه تربيت و پرورش به دست والدين و مربيان است. يك زن به منزلة مادر نمونه در مرحلة اول و حال به عنوان معلم و مربي نمونه و در مرحلة دوم، مسئوليت خطيري برعهده دارد تا بتواند رسالت خود را به نحو احسن به انجام برساند. در اين سن، فرزند (كودك) آن قدر رشد كرده است، كه بتواند مفاهيم را درك كند و براي يادگيري مطالب از هر جهت آمادگي دارد. پس به او مفاهيم خوب بياموزيم و آينده‌اي روشن، همراه با حركت صحيح به او نشان دهيم. به سبب همين اسلام مقرر مي‌دارد كه براي تربيت و پرورش افراد در جهت شكوفايي استعدادها و جلوگيري از هرز رفتن توانايي هايشان بايستي محيطي سالم به وجود آيد و اين محيط سالم ايجاد نمي‌شود مگر با افرادي، چون زنان و مردان باايمان، و باتقوا كه در زندگي، فرزنداني صالح پرورش مي‌دهند و در جامعه و محيط مدرسه، آينده سازاني صالح و زمينه سازان ظهور مي‌سازند.

در قرآن مجيد آمده است:

اي كساني كه ايمان آورده ايد خود و فرزندان تان را از (عذاب) آتش حفظ كنيد، يعني براي فرزندان و وابستگان خود محيطي سالم به وجود آوريد تا از فساد و تبهكاري بركنار باشند و در نتيجه از آثار آن كه عذاب الهي است حفظ شويد.[24]

پس بر زنان است كه كودكان و فرزندان جامعه را در محيط سالم مدرسه، با روحي پاك و اخلاقي نيكو پرورش دهند تا با تربيت و آمادگي اين انسان‌هاي پاك، در آينده بر ياران و زمينه سازان ظهور افزوده گردد.

ج: جامعه؛ زن، سازندة زيربناي اخلاقي جامعه است. زن، پايه‌هاي اخلاقي را در ذهن فرزندان، استوار مي‌سازد و با تربيت اخلاقي خود، انسان‌هايي را تحويل جامعه مي‌دهد كه بتوانند در آيندة جامعه، نقش مهمي را ايفا كنند و جزء گروه منتظران راستين باشند.

پس يك زن، يا يك مادر واقعي در جامعه رياست مي‌كند و پايه‌هاي خوشبختي يا بدبختي مردان دنيا را بنا مي‌گذارد. او رئيس اصلي جامعه است. سرنوشت جامعه به دست او رقم مي‌خورد. او مي‌تواند جامعه‌اي پاك با افرادي صالح پديد آورد. زن در نظام اجتماعي با پذيرش پايگاه اجتماعي يا مشاغل اعتباري، نقش‌هاي گوناگوني را برعهده مي‌گيرد كه اگر تمامي اين نقش‌ها در مجموع، يك مفهوم را داشته باشند و آن كمك به انسانيت انسان باشد فرد، آماده براي كمك به ظهور مي‌شود.

از جمله مسئوليت‌هاي زنان در جامعه ي اسلامي و منتظر، ايجاد انگيزه و اميد در جوان منتظر است كه زمينة تلاش و ايثارگري را در او به وجود خواهد آورد؛ ايجاد زمينه براي خودسازي و رشد معنوي جوانان است. زنان مي‌توانند با برنامه‌هاي مناسبي كه ايجاد مي‌كنند سمبلي براي ايجاد تحول فرهنگ، اتحاد، پايداري در زمان، اتصال به رهبر و حضور در صحنه‌هاي اجتماعي براي جوانان در جامعه باشند. زنان باحجاب اسلامي خود – كه نمونة بارز يك زن مسلمان و باايمان است – مي‌توانند در جامعه، الگويي براي دختران، زنان و منتظران ظهور باشند. چون انتظار به منزلة ديدگاهي جامع و فراگير مي‌تواند تمامي انگيزه‌هاي افراد را تحت پوشش قرار دهد و زمينة رشد آنها را فراهم سازد. حجاب يك زن مسلمان، لباس اين انتظار است كه او با انتخاب ظاهري معنوي، هم‌چون سربازي لبيك گو به نداي مذهب پاسخ مي‌دهد و با اين كار خود و جامعه را در تحولي بزرگ، سهيم و آماده مي‌داند.

حركت زنان در توسعة تفكر ديني، نقش تعيين كننده‌اي دارد؛ به گونه‌اي كه قدرت تصميم گيري فرهنگي آنان در درجة بالاتري از مردان مؤمن قرار دارد. زن مسلمان، علاوه بر خانه و مدرسه، در جامعه هم نقش عظيمي بر عهده دارد. از جمله نقش‌هاي او حجاب اسلامي است كه در اين راه، با تحكيم بخشيدن به اين امر مهم و امربه معروف و نهي از منكر مي‌تواند جامعه را به بهترين نحو، آمادة ظهور كند.

چون معناي امربه معروف و نهي ازمنكر اين است كه:

اي انسان، تو تنها از نظر شخصي و فردي در برابر ذات پروردگار، مسئول و متعهّد نيستي؛ تو در مقابل اجتماع خود هم مسئوليت و تعهد داري.

پس حركت‌هاي زنان در عصر غيبت، در حقيقت به مفهوم آماده سازي جامعه براي تحول آفريني و نشانه‌هاي قدرت فرهنگي زنان منتظر است.[25]

رسول اكرم صل الله عليه و آله و سلم فرمودند: افراد باايمان نسبت به يك ديگر همانند اجزاي يك ساختمان هستند كه هر جزئي از آن، جزء ديگر را محكم نگه مي‌دارد.[26]

پس در دوران غيبت، ياران و منتظران امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف از جمله زنان منتظر، بايد بدانند كه هميشه و در همه حال در صحنه‌هاي اجتماعي حضور داشته باشند و در راه اصلاح جامعه بكوشند.

4. پرورش ياران خاص؛ كلية قيام‌ها و نهضت‌ها به دليل ايجاد حركت بنيادين و نو در سطح جامعه، نياز به نيروي فعال، كارآمد و پرانرژي دارند و بدون نيروي انساني، خصوصاً نيروي جوان – كه داراي نيرويي متراكم و قوي است – حركت و سير نهضت، كند و در نهايت به ركود مي‌انجامد. پس در ميان عوامل حركت آفرين، نيروي جوان در مرتبة اول قرار دارد. چون:

الف: در حركت رو بنايي، جوان داراي قدرت بدني و صلابت جسمي است كه از پس كارهاي سخت و مهم برمي آيد.

ب: در حركت زيربنايي، جوان داراي روح لطيف و صيقل داده شده است كه به منزلة آيينة بدون زنگار است. حق را بدون درنگ مي‌پذيرد، تبعيت و فرمان برداري او از رهبر و مولاي خود بيشتر است و اين شاخصه، رمز موفقيت هر قيام و نهضتي شمرده مي‌شود.

نهضت مهدوي نيز با مؤلفه‌هاي ياد شده، از اين قاعده، مستثنا نيست، بلكه به نيروي كارآمد و جوان در آن بيشتر احساس مي‌شود و اين نيروي فعال و كارآمد و جوان، فقط تحت تأثير حضور مادراني، پرشور و فعال و مسئوليت پذير مهيا مي‌شود.

حكومت و قيام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ياراني خاص مي‌خواهد كه بتوانند در زمان ظهور امام عجل الله تعالي فرجه الشريف در ركابش جان فشاني، و در اعتدال حكومت مهدوي عجل الله تعالي فرجه الشريف تلاش كنند. پرورش اين ياران، نياز به زناني پاك و سلحشور دارد كه فرزنداني بپرورانند؛ پاك و داراي قدرت بدني و صلابت جسمي و تابع رهبر و مولاي خود. كه با اين كار، سهم بسزايي در تجلي حكومت عدل الهي و قيام آن حضرت عجل الله تعالي فرجه الشريف خواهند داشت. به همين دليل در روايات مختلف به جوان بودن اكثريت ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف اشاره شده است.

امام علي عليه السلام فرمود: ياران قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف، همه جوان هستند. در ميان آنها پيرمرد، يافت نمي‌شود، مگر به مثل سرمه در چشم و نمك در طعام كه كمتر از هر ماده‌اي در طعام، نمك است.[27]

پس هر جنبش و انقلابي به ياران و همراهاني نياز دارد كه ستون‌هاي انقلاب‌اند و سنگيني آن را به دوش مي‌كشند. سستي و استواري هر يك از اين دو با يك ديگر ارتباط دارد، يعني هر اندازه حجم بناي انقلاب كمتر باشد، (ياران خاص كمتر باشند) پايه‌هاي آن از استحكام كمتري برخوردار خواهد بود و به هر ميزان كه بنا بلندتر و گسترده‌تر باشد به ستون‌هاي محكم تري نياز خواهد داشت؛ ياراني خاص، استوار و شجاع. كه اين ياران خاص، بيشتر جوانان هستند؛ چون از فطرت‌هايي پاك و بي آلايش برخوردارند و وابستگي‌ها و تعلقات در عمق جان شان ريشه دوانده است. پرورش اين ياران خاص بر عهدة بانواني جسور و شجاع و با ايمان است كه در دامان پاك خود، چنين ياراني را براي انقلاب جهاني حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف پرورش مي‌دهند و زمينه را براي ظهور فراهم مي‌سازند.

5. ترويج عدالت و عدالت خواهي در جامعه؛ در ابتدا وقتي به جهان كنوني و مردم ستم ديده و مظلوم مي‌نگريم، چنين به نظر مي‌رسد كه پاك ساختن زمين از ظلم و ستم و برچيدن بساط طاغوت، ناممكن است و مظلومان عالم، فريادرسي ندارند تا حق آنان را از طاغوتيان بگيرد. و از سويي ديگر حكمت خداوند بر اين تعلق گرفته كه زندگاني انسان براساس فطرت خدادادي جاري شده و شالودة آن كه عدالت و عدالت خواهي و ظلم ستيزي است، بدون پاسخ نماند. و از طرفي ديگر، مسئله عدل در اسلام از روز نخست در تمام زمينه‌ها از بُعد عقيدتي و ديني گرفته تا بُعد فقهي و اجتماعي، مورد توجه و عنايت بوده است.

آيات و روايات رسيده در مورد عدل، نشان از پسنديده بودن آن در نزد خداوند است و اين وقتي ميسّر مي‌شود كه مردم از نظر رشد معنوي و كمال روحي به درجة بالايي برسند و خود، خواهان عدل و اجراي آن باشند.

قرآن كريم مي‌فرمايد: ما رسولان خود را با دلايل روشن فرستاديم و با آنها كتاب (آسماني) و ميزان (شناسايي حق و قوانين عادلانه) نازل كرديم تا مردم قيام به عدالت كنند.[28]

اين آيه نشان گر اين است كه از گذشته، پيامبران مي‌خواستند مردم به گونه‌اي تربيت و تعليم شوند كه بتوانند خود، قيام به قسط نمايند و عدل را اجرا كنند.

بشر در طول زمان، هميشه منتظر روزي بوده است كه عدالت در جوامع حاكم گردد و هم‌چنان در آرزوي آن لحظه شماري مي‌كند تا آن رؤياي ديرينة بشر با ظهور عدل مشتهر به وقوع بپيوندد.

رسول خدا صل الله عليه و آله و سلم مي‌فرمايد: مژده مي‌دهم شما را به مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف كه او در امت من به هنگام اختلاف و سختي‌ها برانگيخته مي‌شود. پس زمين را پر از قسط و عدل مي‌سازد؛ همان طور كه از جور و ستم پر شده باشد. ساكنان آسمان و زمين از او راضي مي‌شوند...[29]

با رستاخيز مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ظلم و ستم به ديار عدم سفر مي‌كند و جاي خود را به عدل و داد مي‌سپارد و عدالت اجتماعي فراگير مي‌شود و ثمرة تلاش و كوشش انبيا و اوليا به پا مي‌نشيند و همه طعم شيرين عدالت را مي‌چشند.

بنابر آن‌چه كه در اين نوشتار ذكر شد، مي‌توان چنين نتيجه گرفت كه زنان در برپايي عدل و قسط و بركناري ظلم و ستم مي‌توانند با شناساندن امام و موقعيت ايشان براي فرزندان در خانواده و جوانان و نوجوانان در مدرسه و جامعه نقش بسزايي را ايفا كنند.

حضور زنان در اولين روز ظهور به همراه 313 نفر از مردان بزرگ عالم در مكه در كنار امام عليه السلام نشان از نقش عظيمي است كه زنان در انقلاب جهاني حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف دارند. همان طور كه در انقلاب اسلامي ايران، نمونه‌هاي فراواني از زنان بافضيلت را داشتيم كه در كنار همسران و فرزندان خود، سربلند ايستادند. آنان جواناني را تحويل جامعه دادند كه از طفوليت تا جواني با ارزش‌ها و معيارهاي ديني آشنا شده بودند و در نظام خانواده، اجتماع و جامعه، با گفتار و رفتار نيك و پسنديده با لفظ شيرين عدالت مأنوس شده بودند.

نتيجه گيري

منتظران، اعم از زن و مرد در دوران غيبت كبري كه دوران پنهان زيستي امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف است، به دليل عدم ظهور امام و رهبر جامعه، مسئوليت‌هاي خطير و سنگيني دارند. از يك سو بايد دغدغه‌هاي خودسازي و خود انديشي، جهت اصلاح خويشتن داشته باشند تا از جمله منتظران راستين و واقعي امام عليه السلام باشند و از طرف ديگر، نسبت به افراد جامعه، احساس مسئوليت كنند، يعني دگرانديشي و دگرسازي داشته باشند تا آحاد مردم به صورت كلي و فراگير در راستاي ظهور امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف تلاش نمايند.

در عرصه زمينه سازي براي ظهور امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف، همة مردم (اعم از زن و مرد) داراي مسئوليت و رسالت مي‌باشند و شايد با يك نگاه دقيق‌تر در اين عرصه، زنان را پرمسئوليت‌تر ببينيم؛ زيرا براي شركت در رخداد مهم ظهور؛ پرورش و تربيت نسل منتظر و نيز ياران خاص و عام امام عليه السلام را برعهده دارند.

صحنه‌هاي جامعه، خانواده، مدرسه و… عرصه‌هايي هستند كه زنان در آنها نقش سازنده‌اي دارند و قابليت و توان مندي آنان در آن عرصه‌ها به منصة ظهور مي‌رسد.

[1]. عبدا... جوادي آملي، زن در آئينه جمال و جلال (قم: نشرأسراء)، ص26.

[2]. (قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زكّيها، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ) شمس، آيات 10 و9.

[3]. «من سرهُ اَن يكون من أصحاب القائم فلينتظر واليعمل بالورع و محاسن الاخلاق،...».محمد بن ابراهيم نعماني، الغيبة، ترجمه جواد غفاري (تهران: كتابخانه صدوق، 1363) ص292، ب11، ج16؛ لطف الله صافي گلپايگاني، منتخب الاثر، (قم: مؤسسه سيدة المعصومه، 1419ق) ص210.

[4]. «ليعدَّنَّ أَحدكُم لخروج القائم ولو سهماً فَانَّ الله إذا علِم ذلكَ من نيّته رجوتُ لأن يُنسي في عمره حتّي يدركه و يكونَ من اعوانه و أنصاره. محمد باقر، مجلسي، بحارالانوار، (بيروت: دارالمعارف للمطبوعات، 1421ق). ج52، ص366.

[5]. يا عليُّ واعلم اَنَّ اَعجب النّاس ايماناً و اعظمهُم يقيناً قَومُ يكونون في آخرالزّمان لَم يلحقُوا النّبيّ وحجب عنهم الحجّة فآمنوا بسوادٍ علي بياضٍ. مجلسي، پيشين، ج21، ص366؛ شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه (تهران: كتاب فروشي اسلاميه، 1377)، ج1، ص288، باب26، ح8.

[6]. اَلا أخبركم بما لا يقبل الله عزوجل من العباد عملاً الاّ به؟ فقلت بلي، فقال: «شهادة ان لا اِله اِلاّ الله و انّ محمداً عبده و رسوله....والانتظار للقائم عجل الله تعالي فرجه الشريف». نعماني، پيشين، ص200، باب11، ج16؛ صافي گلپايگاني، پيشين، ج3، ص210.

[7]. «ولكن إخواني الّذين يأتون مِنْ بَعدكم يؤمنون بي و يحبّوني و ينصروني و يصّدقُوني و ما رأوني؛ مجلسي، پيشين، ج52، ص132.

[8]. «من مات ولا يعرف امامه مات ميتةً جاهلية». محمد كليني، اصول كافي، ترجمه سيد جواد مصطفوي، انتشارات گلگشت، ص377، روايت 3؛ نعماني، پيشين، ص130: از امام صادق عليه السلام به نقل از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم.

[9]. «المهديّ طاووس اهل الجنّه». صافي گلپايگاني، پيشين، منتخب الاثر، ص185.

[10]. وَجهه كالقمر الدّريّ. معجم احاديث الامام مهدي (قم: مؤسسة معارف اسلامي 1411ق)، ج1، ش72.

[11]. كاَنَّ وجهه الكوكب الدّري. صافي گلپايگاني، پيشين، ص185.

[12]. «انَّما بُعثت لأتمّم مكارم الاخلاق. شيخ فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، (قم: ناصرخسرو، 1376) ج10، ص333.

[13]. «اذ اقام قائمنا، وضع يده علي رؤوس العباد فجمع به عقولهم واكمل به اخلاقهم. مجلسي، پيشين، ج52، ص336؛ صافي گلپايگاني، پيشين، ص482.

[14]. «مَنْ سَرَّه اَن يكونَ مِن اَصحابِ القائم عجل الله تعالي فرجه الشريف فَلينتظرْ وَلْيَعملْ بِالوَرَعِ وَ مَحاسِنِ الاَخلاقِ. نعماني، پيشين، باب11، ج16.

[15]. «وَاجعلنا مِمّن تنتصر به لدينك و تعِزُّ به نَصْر‍ وليّكَ. ولا تَسْتَبْدل بنا غيرَنَا فَاِنَّ استبدالك بِنا غَيرَ نَا عَليكَ يَسيرُ وَ هُوَ عَلَيْنَا عَسيرُ.

[16] . «وَاجعْلنا في حزبه....حَتّي تَحشُرنَا يَوْمَ القيامة في انصاره و اعوانِهِ ومقوّية سلطانِهِ، همان.

[17]. (اِنَّ اللهَ يَأمُرُ بالعدلِ والإحسان وَايتاءِ ذِي القُربي وَيَنْهَي عَنِ الْفَحْشاءِ والمُنْكَرِ وَالبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ) نحل، آيه 90.

[18]. (كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأمُرُونَ بِالمَعْروُفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَر و تُؤمِنُونَ بِااللهِ ). آل عمران، آيه 110.

[19]. «اِنَّ اهل زمان غيبته، القائلين بِإمامته والمنتظرين لظهوره....الدّعاة الي دين الله ع‍‍َزّوجل سرّاً وجهراً». شيخ صدوق، ص320.

[20]. اِنّ الامر بالمعروف والنّهي عن المنكر....فريضة عظيمة بها تقام الفرائض. محمدي ري شهري محمد، ميزان الحكمة، ترجمة حميدرضا شيخي (قم: دارالحديث، 1377) جلد8، ص3706.

[21].اَلمهدي واصحابُهُ...يأمروُنَ بالمعروف و يَنْهونَ عَنِ المنكر. مجلسي، محمد باقر، بحارالانوار، ج51، ص47.

[22]. «وَلقد كانت طاعتُها مفروضة علي جميع من خلق الله من الجنّ والانس والطّير والبهائم والأنبياء والملائكة...». محمد طبري، دلائل‌الامامة (قم: موسسة البعثه، 1412ق)، ص106، ج34.

[23]. (وَاَنْ لَيْسَ لِلاِنْسانِ إِلاّ ما سَعَي ). نجم، آيه 30.

[24]. (يا اَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا قُواَنْفُسَكُمْ وَ اَهْليِكُمْ نَاراً ) تحريم، آيه 6.

[25]. مرتضي مطهري، حماسة حسيني، جلد2، انتشارات صدرا، صص45 و 76.

[26]. المومن للمومن كالبنيان يشيد بعضه بعضاً.

[27]. اَصحاب القائم شباب لاكهول فيهم اِلاّ مثل الكُحْل في الْعين والملح في الزّاد واقلُّ الزّاد اَلملح؛ نعماني، پيشين، ص170 و مجلسي، پيشين، ج52، ص333.

[28]. (وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّناتِ وَاَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْميزَانَ لِيقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ) . حديد، آيه 25.

[29]. «اُبشركم بالمهدي يبعث في اُمّتي عَلَي اختلافٍ من النّاس و زلازلِ فَيَملأ الارضَ قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، يرضي عنه ساكن السّماء و ساكن الاَرض....». معجم احاديث امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، جلد 1، ص92، ح53.